



روز تازه در زندگی

او جلوه‌ای نامناسب خواهد داشت: «در مقابل دوربین چه حالتی را باید القا می‌کردم؟ نمی‌توانستم خودم را توجیه کنم که لبخند بزنم و در همان لحظه دریافتم که تا چه حد در مقابل حوادثی که به وقوع پیوسته ضعیف و آسیب‌پذیر هستم، اما با این همه نایستی افسرده نیز به نظر می‌آمدم، چون ما انسانها به نیرویی امیدبخش برای ادامه زندگی نیاز داریم.»

دیون به سونی پیشنهاد تهیه جلدی بدون تصویر خودش را داد، هرچند که پس از تبادل نظرهای بسیار ترکیبی از عکس‌های دیون از زوایای مختلف که حالات متفاوتی را القا می‌کنند به‌عنوان روی جلد انتخاب شد. تامی موتولا (Tommy Mottola) رئیس شرکت Sony music به‌نوعی تجدید حیات در دیون اشاره می‌کند: «من با اطمینان او را یکی از بزرگترین خواننده‌های تاریخ می‌شمارم که در اوج موسیقی صدایش را به مانند یک ساز به کار می‌گیرد. کمپانی سونی مجموعه برنامه بی‌نظیری در حمایت از آلبوم وی را در دستور کار خود دارد که شامل انبوه برنامه‌های تلویزیونی، انتشاراتی و تبلیغاتی اینترنتی می‌شود و برای دیون برنامه‌هایی در اروپا همراه با توقف‌هایی در آمریکا و انگلیس و سفرهایی به استرالیا، ژاپن، آمریکای جنوبی و آسیا را نیز در نظر گرفته است.»

دیون خود در این باره می‌گوید: «این بازگشت بزرگ من به دنیای موسیقی خواهد بود. همواره وقتی کاری را انجام می‌دهم، با تمام وجودم به آن می‌پردازم و در غیر این صورت آنرا انجام نخواهم داد. در مورد این آلبوم آنچه در توان داشته‌ام عرضه کرده‌ام و امینوارم کاری آرامش‌بخش برای همه کسانی باشد که همدمی می‌جویند و دستی یاری‌بخش طلب می‌کنند، آنان که محزون و یا شاداب هستند، من می‌خواهم تکیه‌گاه کوچکی تهیه کنم تا دمی بیایند.»

رنه آنجیلی (Rene Angelli) همسری که حدود بیست سال به هدایت امور حرفه‌ای دیون پرداخته در این باره چنین توضیح می‌دهد که: «سلین اجراهای فوق‌العاده‌ای را در کاست تازه‌اش ارائه داده است. او در حالی به کار ضبط مشغول بود که نوزادمان در اتاق مجاور استراحت می‌کرد و این احساس خوبی را در او ایجاد می‌نمود. به نظر من سلین هرگز بهتر از این نبوده است، چرا که کیفیت صدایش در بهترین شرایط ممکن قرار داشت.» دیون خود اوقات کاری‌اش در استودیو را چنین توصیف می‌کند: «من به هیچ‌وجه فشاری بابت تلاش زیاد سبقت گرفتن از دیگران متحمل نشدم. من توانایی‌هایم را پیش از این به اثبات رسانده بودم، پس دیگر می‌توانستم از کارم لذت ببرم و از احساسهایم بخوانم و این تجربه لذت‌بخشی بود.»

از دو آلبوم قبلی دیون "Falling in to you" و "about love Talk" بیش از سی میلیون نسخه در تمامی دنیا و ۹ میلیون نسخه در ایالات متحده به فروش رسیده بود و دیون هرگز انتظاری بیش از حد نداشت. اجازه دهید که آلبوم تازه‌ام نیز حیات خود را داشته باشد، هرچند که این زندگی برایش مدت زیادی طول نکشد اما با این همه مطمئن هستم که زندگی پرثمری خواهد بود. احتمالاً سعی می‌کنم کنسرت‌های صمیمانه‌ای را در این سو و آن سو اجرا کنم، با این امید که روزهای تازه زیادی در انتظار من باشند.»

سلین دیون از جمله خوانندگان موفق است که در مدت زمان دو سال اخیر عنوان پرفروش‌ترین خواننده زن دنیا را از آن خود کرده است. وی به دنبال یک صعود طولانی مدت در دهه ۹۰ که ۵ جایزه گرمی، آلبوم منتخب سال ۱۹۹۶ برای "Falling in to you" و ۲۰ جایزه کانادایی "Juno"، دو اسکار که یکی از آنان به خاطر آهنگ مشهور "Go On" My Heart Will از تایتانیک در سال ۱۹۹۸ بوده و فروش جهانی ۱۳۰ میلیونی را به همراه داشته، ناگهان تصمیم گرفت که برای مدت دو سال جهت استراحت و توجه به خانواده و کناره‌گیری از مشغله‌ای که دو دهه او را درگیر خود ساخته بود، از انتظار عمومی ناپدید شود و به وظیفه مادری برای فرزند تازه متولدشده‌اش رنه چارلز بپردازد. وی درباره این کناره‌گیری خود چنین توضیح می‌دهد: «برای اولین بار طی هجده سال، فرصتی برای استراحت به‌دست آورده‌ام، نه اضطراری درخصوص برنامه‌ریزی و نه تمرینی برای صدا!»

می‌توانم به خودم اجازه خندیدن بدهم بی‌آنکه دغدغه‌ای برای تحریک صدایم وجود داشته باشد، می‌توانم از شادمانی جیغ بزنم، این انتخاب خود من است، سراسر زندگی‌ام به انضباط سپری شد و زمان زیاد طول کشید تا به اینجا برسم.»

وی درباره هشتمین آلبوم انگلیسی‌اش "A Has Go Me" New Day می‌گوید: «این عنوان اشاره‌ای است به تولد فرزندم که به‌وضوح بازگشت مرا به دنیای موسیقی مورد تأکید قرار می‌دهد، اما به هر حال «روز تازه در زندگی» سایرین نیز فرا رسیده است، چرا که حادثه‌ای به وقوع پیوسته و ما جمع بسیاری را از دست داده‌ایم، اکنون چهره دنیایمان زخم‌نشان شده است.»

دیون حوادث ۱۱ سپتامبر را از منزلش در مونترال به‌وسیله تلویزیون تماشا کرده بود. او در حالی که اشک بر گونه‌هایش می‌دوید، احساس اضطرابش را از آن چنین بیان نمود: «من همچنان که این حادثه را از تلویزیون مشاهده می‌کردم، می‌اندیشیدم که به هیچ روی واقمی نیستند و همان لحظه گمان بردم که این پایان دنیاست. رنه چارلز خوابیده بود. من سراسیمه به طبقه بالا و اتاقش دویدم، او را در آغوش گرفتم و به شوهرم گفتم: «ما چگونه به خودمان اجازه می‌دهیم که بچه‌ها را به چنین دنیایی بیاوریم؟ خدا را شکر که کودکانم از آنچه روی می‌دهد، مطلع نیستند!»

دیون تلاش زیادی برای یافتن تصویر روی جلد مناسبی برای آلبوم خود کرد، چرا که احساس می‌نمود انتخاب پرتزهای شاد از

NO
D
E
F
I
N
E
D



گزارشی از
تور 2001
گروه U2

حضوری

دوباره





جربه‌های متفاوت

«پوپ» (U2) پس از چندین سال غایب، دوباره به صحنه آمد. به همین ترتیب، آلبوم و این باره کارهای بسیار متفاوتی را عرضه می‌کند. سه تور جداگانه، همچون Elevation بود و تجربه‌های و رشد در روی‌هایی که در تورهای Zoo TV، Popmart وجود داشت. دیگر در این تور جدید به خشک نمی‌خورد و ساخته‌ی ساده و بی‌پیرایه که شامل تئاتر و موسیقی (Projection)، IMAG و ویدئوال (Video wall) می‌باشد. جان‌کامین آنها شده است اگر چه تور این اجرا مانند گذشته است، و بر می‌توان گفت که این برنامه کاملاً متفاوت از اجراهای قبلی می‌باشد.

Everation نیز همانند تورهای Zoo TV (۱۹۹۲) و Popmart (۱۹۹۷) با همکاری تمام اعضای گروه از جمله ویلی ویلیامز (Willie Williams) -لارچ و برنده بریز مارک شایر (Mard Fisser) -رسم‌گراف، تامرین اونز (Catherine Owens) -مسوول امور تصویربرداری، بروس راموس (Brua Ramus) -مسئول نور و جواهرلیهی (Herlihy) -



مسوول امور موسیقی برنگرگ است. و با همکاری، فیسر، ونز و راموس ساخته‌ای است که یکی از تکنولوژی‌های خلاقانه پوپ هستند و تجربه‌ها را در گذشته، این عبارت را به بیان داده است تا در یک تجربه تشریح دیگری باشد که عملکرد و همچنین از مجموع فعالیت‌های ساخته‌شده است. مراحل متعددی ساخت برنامه برای تور است. در استودیو شکل می‌گیرد و بر می‌آید، «برند لوور کتی، ابتدا گروه ساخت، لیور را تمرین می‌کند و ویلی در مرحله بعد، در جریان آمور فرار می‌گیرد و نقابش را بر می‌زند و فیسر بیان می‌کند ماهیت این «پوپ» و نفس‌نفس‌آلود، همگی به تونایی بودند که روند فعالیت‌های آنها، در مقایسه با تورهای قبلی، بسیار متفاوت و متفاوت بود.»

و ساختار می‌تواند «محتوای این آلبوم بسیار ساده و مستقیم می‌باشد به همین دلیل، من احساس کرده که واقعاً باید در این تور بیشتر به نحوه اجرا توجه شود تا مکان اجرا و این مسئله، در دهه‌های آتی گروه بود.»

در حالی که Zoo TV، Popmart هر دو، گروه تورهای اولیه و به ندرت می‌تواند گروه بودند، ولی وقت آن بود که تجربی‌های دیگری را نیز آزمایش و تجربه کنند و واضح‌ترین مسئله این بود که این تور باید از نظر ساخت، ساخت تورهای گذشته باشد پوپ، براساس همین است که فقط، تدریجاً صحنه بیاید و جدید برآید اجرا کند.

با این وجود نباید پس از به کارگیری تکنولوژی پیشرفته‌ای که درد و اجرای خلاقانه وجود داشت، احساس یار کلمات به همان



تنظیم وضعیت دید تماشاگران یکی از مسایل اساسی طراحی صحنه بود و شکل قلب مانند صحنه، یکی از بزرگترین مشکلات ما بود و کاری که من انجام دادم این بود که ابعاد و اندازه‌های صحنه را طوری تنظیم کنم که بیشترین کارایی را داشته باشد. صحنه در سطح پایینی قرار دارد و ابعاد آن به اندازه‌ای است که گروه را به تماشاچیان نزدیک تر می‌سازد به طوری که تماشاگران احساس می‌کنند که در یک کلوپ به تماشای آنها نشستند

آنها به جسم می‌خورد و سطح بزرگ آن صحنه‌ای که مورد اشاره گروه بود، ساده شد. صحنه‌ای که سرپاژ بودند، یکی از ویژگی‌های آن محسوب می‌شد. قسمت جلویی این جایگاه، تقریباً ۲۰۰ متر را دارد. به تماشاچیان به‌کامل نزدیک‌تر بودن به گروه، برای من جایگاه، هدف می‌شد. ویلیام جینس می‌گوید: «بسیار جایگاهی نه هم سطح با صحنه است. این‌ها را سایر جایگاه‌های دیگر می‌تواند یکی از صحنه‌ای که می‌خواهند از آن‌ها بی‌نیاز واقعاً کسرت داشت. میریلا، تلفه هم‌تف و خود دارد. به‌طور کلی، نزدیک‌ترین صحنه‌ای‌ها به صحنه، زبان برین جایگاه است.»

فلسفه طراحی می‌دارد: «طراحی Elevation بدکوبه‌ای بود که استفاده از وسایل صحنه را می‌توان محدود می‌کرد. وقتی اجرا می‌شد، در صحنه‌ای باشد که در جهت طرف آن صحنه وجود دارد و واقعاً نمی‌تواند از وسایل و تجهیزات صحنه برای استفاده شود. چون ممکن است دتوری که برای یک بخش، مشکلی ایجاد نمی‌کند برای فرد دیگر، منبعی جهت مشاهده به حساب بیاید. بخدا و آماده‌سازی صحنه‌ای که با فضای کسرت، هماهنگی و مبالغه، داشته باشد و در سطح قصد و نسبت گروه از انجام آن را به نظر خود، قدر بزرگترین درگیری پیدا که من و ویلی با آن مواجه بودیم.»

«تنظیم وضعیت دید تماشاگران یکی از مسایل اساسی طراحی صحنه بود و شکل قلب مانند صحنه، یکی از بزرگترین مشکلات ما بود و کاری که من انجام دادم این بود که ابعاد و اندازه‌های صحنه را طوری تنظیم کنم که بیشترین کارایی را داشته باشد. صحنه در سطح پایینی قرار دارد و ابعاد آن به اندازه‌ای است که گروه را به تماشاچیان نزدیک تر می‌سازد به طوری که تماشاگران احساس می‌کنند که در یک کلوپ به تماشای آنها نشستند»

صحنه، مانند آن برودهای فیس در Towers Tait در سطح پایینی ساخته شده است. صحنه کاملاً با عوامل وینوین برشته، هماهنگی دارد. علاوه بر این تک و دبل و آن هم به تجهیزات اضافه شده است که در

سنگ و ساقی گذشته‌ها بودند. آخرین سال ۲۰۰۱ است و همه استعدادهایی طراحی و آن تکنولوژی‌ها، بر خود را هستند. «دیگر تفاوت مهم بین Elevation و نورهای اخیر در این است که در این نور در صحنه‌ی رو باز بر نور می‌شود. Popmart Zoo TV هر دو در اسلاید برقرار شده و اجرا در صحنه‌ی سرپشته، بخشی جدایی ناپذیر بارگشت گروه به سنگ و ساق گذشته بود. تغییر مکان نور از اسلاید سرپشته به صحنه‌ی سرپاژ، فرست مناسبی بود تا حلقه مساطی که هر لحظه بزرگ و بزرگ می‌شد، از هم گسسته شود. تصمیم می‌گرفتیم تا از آنجا که گروه و تماشاچیان را بیشتر دیم، نور به سنگ‌سنگ شد و سر در عالم موسیقی شهرت دارد و به جای شنیدن و شنیدن بودن، در جست‌وجوی فضایی جدید بودیم. طراحی صحنه بود ما همیشه درمورد این که بتوانیم در مرکز نشان اجرا، سر، سر و تخت دریم و همیشه به این دل از آن صرف‌نظر می‌کنیم. نامر موسیقی را، با حدی به یک جهت بودن آن بسنگی دارد و هر چیزی که باعث کاهش آن می‌شود، حذف محسوب می‌شود. به همین علت قرار بر این شد که ما در یک کج این صحنه، دو در بشیم. اگر چه نامها در چهار طرف صحنه، قرار گرفته شده است.» فیس می‌گوید: «ما با به نظر از طرح‌های اسلاید طرح‌ها و نمونه‌های بی‌شماری برای ساخت صحنه وجود دارد. ما در حد بودیم که صحنه‌ای ساده ساده کنیم. همین قدر می‌دانستیم که علاوه‌سندیم تا نوعی نمادگرایی یا سمبولیسم را در صحنه نشان دهیم. به همین علت، جست‌وجو را آغاز کرده و در این راه ما سر به ندیچی رسیدیم.

گروه به‌جای یک فضای چند بعدی، برجیح داد از ساقی قلب مانند و ساده استفاده کند. البته ما در مورد چیزهای دیگر نیز فکر کردیم و آن‌ها را نیز با ایده قلبی مقایسه کردیم. ولی در جهت تصمیم گرفتیم از صحنه‌ای قلب مانند استفاده کنیم.» اثر چه Elevation از نظر سبک، نظری متفاوت از Popmart می‌باشد ولی از نظر طراحی صحنه، تماماً سبک‌های در هر دوره‌ی

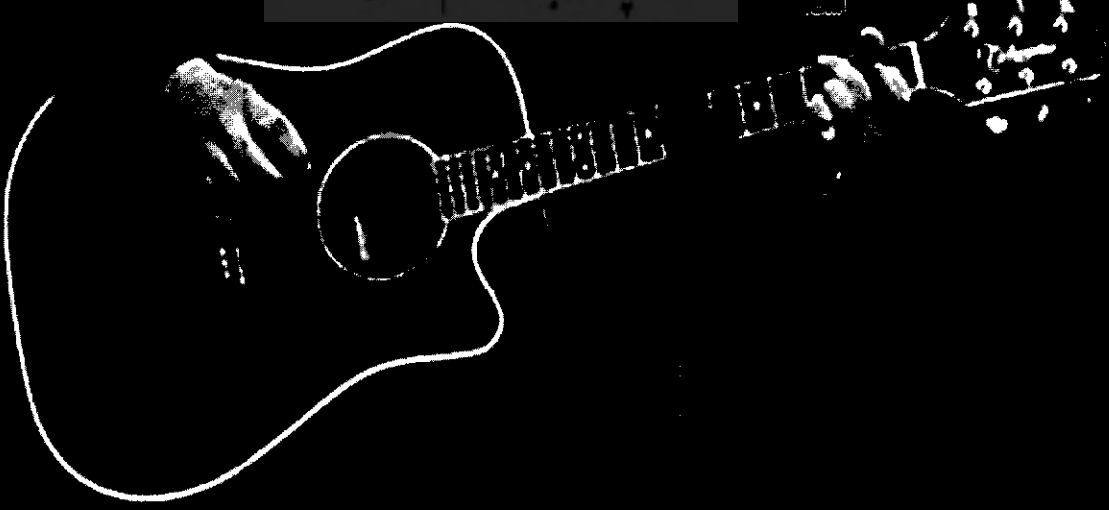
یکی از ساده‌ترین، اما جذاب‌ترین تصاویر بخش شده توسط PIGI، بخش نهایی فیلم بود که علاوه بر نمایشی تصویر، متن دست‌نویس آخرین ترانه در بین تماشاچیان توزیع شد. اونز برای این نور، نسبت به دو نور قبلی، بودجه کمتری در اختیار داشت. از یک طرف بسیار عالی بود که در این نور از مقدار هزینه‌های اضافی کاسته می‌شد و از طرفی دیگر بدین معنا بود که کار باید بسیار محدودتر از قبل انجام می‌شد.

هزینه‌های اضافه و بی‌فایده دیگر جایی در دنیای موسیقی و فیلم ندارد. به همین علت، اکثر کارها با دست انجام می‌گرفت. اونز خود چنین می‌گوید: «ما بسیاری از کارهای مربوط به فیلم را با دست انجام می‌دهیم، یعنی بدون دخالت تجهیزات کامپیوتری و این هزینه واقعاً جالب و بی‌نظیر بود. این فعالیت‌ها، اشیا، بدون نقشه و با رسم شده نبودند، بلکه حاصل کار، بساز، تصویربرداری و خاموش بودید تا لحظه‌های کرافیک برای کارهای مربوط به ویدئو و آل، اونز به همان درگیری‌های فیسبر را داشت. ایجاد آهنگی مناسب برای مشاهده بهتر بخش مهمی از فعالیت‌های ویدئو، در طول تمرین، Onsite انجام می‌شد. ما از ویدئو آل به عنوان یک ماینور استفاده می‌کردیم و در تمرین از وجود مینور نیز بی‌نهره نبودیم و بدین شکل، شروع به ساخت تصاویر می‌کردیم. بونو به سرودن شعر سلسله شهرت یافته است و یکی از قوی‌ترین اظهارات آنها بعد از بخش فیلمی در سری ویدئو آل گفته شد. این فیلم، قبل از ترانه تیری در استان آبی بخش شد. این ترانه در مورد کنتراس (Contras) در آل سالوادور، نوشته شده است و به نظر می‌رسد که این فیلم واقعاً با مساله کنترل تسلیحات ارتباط دارد و کره می‌خواست در مورد این مساله، صحبت را اظهار نظر بکند.

به همین خاطر اونز و مارک لاک (Make Logue) ندویسگر، یک قطعه ویدئویی را قبل از ترانه مورد نظر آماده کردند که این فیلم ساخته‌اند. این چارلوتون هستند. راندرس از جمله نامی افکند نشان

ارتفاعی بسیار بالا از صحنه قرار دارد و توسط کمپانی Stage Brilliant ساخته شده است. این ویدئو آل به نسبت نور Popmart، LED (دی‌آر نور فشان) پیشنوی دارد. «یکی دیگر از ویژگی‌های نور Elevation، نمایشی تصویر آنال یا Projection می‌باشد. من سال‌هاست که کارهای کمپانی PIGI، اماشا و بررسی می‌کنم و فکر می‌کنم وقت آن رسیده که ما نیز از وجود آن استفاده کنیم. تنها اشکال Projection این است که تصاویر از روشنایی کافی برخوردار نیستند.» وینامز در این باره عقیده دیگری داشت: «من فکر کردم موقعیت خوبی است تا از یک باقی کامل به عنوان سطح نمایشی (Surface projection) استفاده کنیم. تصاویر دریافتی از فضای صحنه، ناچاراً از خطوط پر می‌کند.

عصی از فعالیت‌های PIGI کامپیوتری می‌باشد ولی اکثر آنها با استفاده از دست انجام می‌گردد. در این نور، تصاویر مختلفی بر صحنه نمایشی ظاهر می‌شود. از نمایی سیاه در ترانه مسرهای اسرار نیز گرفته تا تصاویر کوتاه شده و لغات دست‌نویس در ترانه بانویا بدون تو و خطوط نقلی شده در ترانه Get Yourself Together، همگی مبین این فضا هستند. محتوا و مقدار این تصاویر محدود و خلاصه شده می‌باشد. برخی تولید ویدئو آل نیز بنام اونز، ویژه مشخص امور تصویری بهره برد. اونز از روند فعالیت‌هایشان چنین می‌گوید: «وقتی من و بلی در حال آماده‌سازی و تولید کار هستیم، جلسات بسیاری را به فکر کردن در مورد کارمان اختصاص می‌دهیم.» وینامز می‌گوید: «من در کارم، از افرادی گروه نیز الهام می‌گیرم. به‌طور کلی، من همیشه مراقب هستم تا بدایم در دنیای هنر و فرهنگ جوانان چه می‌کنند و بدین ترتیب احساسات و عواطفم را به خدمت می‌گیرم. بسیاری از ایده‌های من از فرهنگ موسیقی Rave نیز نشأت می‌گیرد و مجموع این تأثیرات، احساسی خلاصه شده و محدود، اما متسجم است.





صفحه ویدئویی وجود دارد. هر گروه در جلوی این صفحه ویدئویی که تصاویر بی‌معنایی را نشان می‌دهد، برنامه‌اش را اجرا می‌کند و از هر یک از اعضای گروه نیز به‌طور مجزا فیلمبرداری می‌شود. از طرفی دیگر، این ویدئوها، تمرکز حواس بیننده را نیز از بین می‌برد و باعث می‌شود که آنها توجه چندانی به صحنه نداشته باشند.

ساده‌ترین راه حل برای رفع این مشکل، حذف IMAG بود. اما چون جایگاه برگزاری این تور بسیار بزرگ است و بلیط‌ها نیز گران می‌باشند، لازم شد تا مقداری از نیروی کمکی ویدئویی استفاده کنیم. به‌جای استفاده از روش قدیمی IMAG، ویلیامز فکر دیگر داشت. فکری که وی بعد از سال‌ها تجربه در کنار کارگردان‌های ویدئویی و مهندسی‌ین بدان رسیده بود. آنها مکان کوچکی با چهار دوربین سیاه و سفید در اختیار دارند. ابتدا تصاویر بر روی مانیتور نشان داده می‌شوند و پس وقت و هزینه زیادی صرف می‌شود تا این تصاویر کوتاه‌تر شوند و در نهایت تصاویری نه چندان جالب بدست می‌آید. فردی که این نماها یا Shotها را کات می‌کند، متصدی و کارگردان این قسمت از کار است. تمام تصاویری که مشاهده می‌کنید توسط این فرد انتخاب می‌شود و من می‌خواستم نقش این شخص را در این معادله حذف کنم.»

و در نهایت آنها این کار را انجام دادند. تور Elevation شامل IMAG ولی بدون متصدی و کارگردان شد. چهار صفحه ویدئویی در قسمت بالایی صحنه و چهار دوربین لنزدار در سالن وجود دارد. هر یک از دوربین‌ها از یکی از اعضای گروه تصویر برمی‌دارد و هر کدام از آنها با یکی از این صفحات ویدئویی در ارتباط است. ویلیامز در این باره می‌گوید: «من ابتدا با مسؤولین دوربین‌ها صحبت می‌کنم و تصاویر اجرا را در روی مانیتورها می‌اندازم و پس این تصاویر را دست نخورده و بدون هیچ‌گونه تغییری به تماشاگران عرضه می‌کنیم که البته این تصاویر به‌صورت سیاه و سفید می‌باشند.

با این سیستم، شما هیچ‌وقت احساس نمی‌کنید که تصویری را از دست داده‌اید، چون تصویر هر یک از اعضای گروه را روی یک صفحه یا پرده جدا ملاحظه می‌کنید.

من فکر می‌کنم این ایده هم از نظر عقلی و هم از نظر هنری با ایده بسیار جالبی است و یکی از تأثیرگذارترین جنبه‌های این تور می‌باشد.

اگر به جنبه صوتی این اجرا بپردازیم، متوجه می‌شویم که این گروه هنوز روابطش را با کمپانی Clair Brothes Audio حفظ کرده است. چون این کمپانی، بهترین سیستم صداگذاری در دنیا را دارد.

یوتو، تور Elevation را در ماه جولای در آمریکای شمالی و پس از آن تا اگوست ۲۰۰۱ در اروپا برگزار کرد. اسامی عوامل پشت صحنه تور Elevation:

ویلی ویلیامز: طراح صحنه
مارک فیشر: آرشیتکت

استیو ایریدیل (steve Ireadale) مسؤول صحنه
روکو ریڈی (Rocko Ready) مدیر صحنه

کارگردان امور صوتی: جو آهریلی
بروس راموس: مسؤول نورپردازی

دیوید هربرت، هلن کیمبل: معاون تولید
مایرون مور: مدیر برنامه کمپانی PIGI

آدام فینر: مسؤول سیستم نور اتوماتیک

می‌داد. ظاهر و شکل پایه‌های دکوری به‌طور فریب‌دهنده‌ای ساده می‌باشد. چهارستون بلند در صحنه کار گذاشته نشده است که ارتفاع آنها قابل تغییر است.

سیستم نوررسانی اتوماتیک صحنه، در دو کلمه خلاصه می‌شود: Vari Lita ۲۴۱۶۵. عدد از این تجهیزات نوررسانی در صحنه وجود دارد و رنگ آنها با تصاویر ویدئو وال، هم‌خوانی و مطابقت دارد. مرحله آخر آماده‌سازی این تور، تلنگری به کلیشه‌های رایج کنسرت می‌باشد. ویلیامز می‌گوید:

«تنها مسأله‌ای که مرا عصبانی می‌کند، این است که به هر کنسرت راک که می‌روید، می‌بینید که در هر طرف سالن، یک

